

اندر حکایت " همایش ملی کار " نمایشی برای سازمان بین المللی کار !

کمیسیون کارگری - بهمن ماه ۱۳۸۳

« . تعهدات و وظایفی که هم اکنون بر اساس قانون کار و تامین اجتماعی بر عهده سرمایه داران و کارفرمایان است از آنان سلب و خود قانون کار به عنوان یک قانون توصیه ای و نه اجرائی در خواهد آمد و در نهایت حلقه این تعرض و تهاجم از طریق " نظام جامع تامین اجتماعی " با هدف تمرکز ، کنترل و نظارت و حذف و محدود کردن دامنه شمول تامین اجتماعی بیمه بیکاری و بازنشستگی ، کامل می گردد . بر این اساس مسله " کار شایسته " و دیگر اهداف این همایش بیشتر مزاح است و فریب کارگران .

در شکست این همایش و همایش های قبلی همین بس که بگوئیم دولت و خالقی وزیر کار این رژیم برای سومین بار نسبت به مقوله نامه های ۸۷ و ۹۷ متعهد شده اند ولی همچنان کارگران ایران از حق ایجاد تشکل های مستقل ، حق اعتصاب و ... برخوردار نیستند .

باید تاکید کرد که " اصطکاک و ستیز " و مبارزه کارگران ایران با این رژیم اصولا بر سر این موضوع نیست که کدام یک از تشکل های دست ساز رژیم مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و یا تشکل های ایجاد شده توسط وزارت کار نماینده کارگران ایران هستند . و بعبارت دیگر اصولا کارگران ایران هیچ یک از این دو گروه از تشکل های رژیم را نماینده خود نمی داند . چرا که اولاً بیش از ۶ میلیون کارگر ایرانی از حق تشکل مستقل برخوردار نیستند . و علاوه بر این عملاً گفته اند که هیچ نوع تشکل تحت کنترل دولت را نمی پذیرند و می خواهند تشکل مستقل خود را بنا کنند ، بدون دخالت وزارت کار ، خانه کارگر و دولت . تلاش عبثی است که وزارت کار و خانه کارگر درگیری های خود و جناح های مختلف رژیم را " مخالفت و ستیز " کارگران ایران وانمود کرده ، تا خود را نماینده کارگران ایران قلمداد کنند .

بند ۱۸ قطعنامه همایش ، توسعه و تقویت تشکل های کارگری را پیش شرط لازم در گفتگو های اجتماعی می داند و بر این اساس از دولت می خواهد که « زمینه الحاق ایران به مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ و ۱۳۸ سازمان بین المللی کار را فراهم نماید . » از زمانی که محبوب بعنوان دبیر کل خانه کارگر در اجلاس سازمان بین المللی کار در ژنو تحت فشار این سازمان قرار گرفت و گفت « تشکیلات بین المللی کار برداشت صحیحی از نحوه عملکرد تشکیلات کارگری ایران بخصوص شوراهای اسلامی کار ندارند و با موضع گیریهای نادرست خود ، ما را مورد اتهام قرار می دادند . » . نه تنها شکست سیاست های خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار

و تاکید کرد که این مجموعه دو راه پیش رودارد یک اینکه در ستیز و اصطکاک بایکدیگر منافع خود را جستجو کند و یا در همگرایی و تعامل .

این همایش در حالی برگزار شد که تهاجم و تعرض سرمایه داران و دولت حامی آنها به کارگران ایران روز به روز افزایش یافته است . تصویب لایحه خروج کارگاه های تا ۵ کارگر از شمول قانون کار ، خروج کارگران قالیباف از شمول قانون کار .

لایحه خروج کارگاه های دارای کمتر از ۱۰ کارگر از شمول قانون کار برای مدت سه سال بوسیله هیات دولت با توسل به ماده ۱۹۱ قانون کار و این در حالی است که بر اساس اعلام مدیر کل روابط کار وزارت کار " مرتضی رجبی " (ایلنا ۱۳۸۳/۱۱/۲۰) « ۹۲٪ کارگاههای کشور به

صنوفی اختصاص دارد که در قالب کارگاه های زیر ۱۰ نفر تعریف شده و از شمول قانون کار معاف است . » گسترش دامنه به کارگیری کارگران قراردادی ، موقت ، پیمانی ، با استناد به تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار با حقوق بسیار کمتر و بدون برخورداری از مزایای قانونی و قانون کار و تامین اجتماعی و ارائه طرح یک فوریتی خارج کردن کارگران موقت از شمول قانون کار ، تصویب قانون « اجرای طرح بازسازی و نوسازی صنایع » با هدف تعدیل و بیکارسازی گسترده کارگران ، تصویب ماده ۹۴ قانون نظام صنفی ، که تمامی موارد بر شمرده با توافق و همکاری و حمایت جناح های مختلف رژیم مانند اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و هیات متولفه خانه کارگری ها و کارگزاران سازندگی و دوم خردادی ها و حزب مشارکت و آنانی که هم اکنون بر صندلی وزارت کار تکیه زده اند ، صورت گرفته است

و همین امروز اکثریت مجلس هفتم با ارائه طرح یک فوریتی ماده واحده ای که در واقع همان اصل " تراضی و توافق " است ،

می کوشد نه تنها کارگران قراردادی بلکه کلیه کارگران را از شمول قانون کار خارج کند . بر اساس تبصره این ماده واحده کلیه کارگران شاغل در مشاغل صنعتی ، کشاورزی ، بهداشتی ، درمانی ، مسافری ، ترابری ، خدماتی ، تولیدی ، آموزشی و تربیتی ، فنی و حرفه ای ، اماکن عمومی و غیره اعم از بخش خصوصی و یا بخش دولتی مورد شمول این ماده قرار می گیرند . و بر این اساس « تا پایان برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی اشتغال موقت نیروی کار جدید در کلیه کارگاه ها و مشاغل پیش بینی شده در قانون کار بر اساس توافق کتبی شاغلین و کارفرمایان بوده و از شمول قانون کار معاف هستند

پنجمین " همایش ملی کار " جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۶ آذر ماه با صدور قطعنامه ۲۰ ماده ای به کار خود پایان داد . این همایش که بدنبال چهار همایش شکست خورده قبلی برگزار شد خود بدلیل توازن قوای موجود میان جناح های مختلف رژیم ، اهداف وزمینه ها ، بستر و چگونگی تحقق آن ، پیشاپیش مهر شکست را بر پیشانی داشت . چنانکه برخی از شرکت کنندگان آن را " فرمایشی " و یا " تشریفاتی " و گروهی آنرا " آبکی " دانستند . و گروه دیگری ادعا کردند از آنجا که « مصوبات چهار همایش قبلی که به صورت قطعنامه رایه شد و در عمل نا کارآمد رها گردید ، مصوبات این همایش نیز از چارچوب حرف خارج نمی شود . » . و از همین رو بود که عطاردیان نماینده تشکل های کارفرمایی خواستار اجرا شدن « مصوبات چهار همایش ملی کار » قبلی شد .

" علی عقبايي " ، نایب رئیس انجمن های صنفی رانندگان برون شهری ، که در سه دوره همایش های ملی کار شرکت کرده است ؛ گفت « هیچیک از مباحث دوره های مختلف فرقی با یکدیگر نداشته . » و تکرار را نیز « بلای ناکارآمدی این همایش » دانست .

هدف از برگزاری این همایش از زبان برگزارکنندگان و شرکت کنندگان چنین بیان شد :

ناصر خالقی وزیر کار گفت . « هدف از برگزاری همایش ملی کار ، ترویج فرهنگ کار است . » و کسانی که در این همایش شرکت کرده اند . « برای ارتقای فرهنگ کار در جامعه تلاش می کنند . » و اهداف این همایش رادر راستای پیشبرد اصل مشارکت پذیری در کار و تولید ، سه جانبه گرایی و تصمیمات جمعی در جهت بهبود شرایط کار دانست . که « وزارت کار به عنوان میزبان ، این امکانات را فراهم کرده است . » علاوه بر این وی بررسی ویژگی های " کار شایسته " را نیز از اهداف این همایش دانست .

محمد رضا عارف معاون رئیس جمهور گفت سند ملی " کار شایسته " بر سه جانبه گرایی اتکا دارد و محورهای آن شامل حقوق بنیادین کار ، آزادی تشکل ها ، رعایت حداقل سن کار ، مزد مناسب با حداقل معیشت و گسترش حمایت های اجتماعی است . که « امیدواریم با تشکیل وزارت رفاه تحقق این حقوق تسهیل شود . »

وزیر کشور نیز در این همایش گفت تشکل های صنفی کارگری و کارفرمایی در کنار نهاد منتخب حاکمیت یعنی وزارت کار می توانند به حل مسائل موجود بپردازند و « مهمترین رسالت آنان ایجاد موازنه منطقی بین مطالبات این سه رکن است . »

نامه های ۸۷ و ۹۸ باید تصویب و حمایت شوند . بدون اینکه حمایت های فعلی کاهش یابند . » .

واژه همین رو بود که محبوب می گوید « با سازمان بین المللی کار به توافق رسیدیم که آسانترین و بهترین راه، تقویت انجمن های صنفی است و تضعیف نهاد های کارگری به صلاح کشور نمی باشد. به همین منظور باید وظایف و مسئولیت های صنفی و میدان فعالیت آن را کسترش دهیم . » (ایلنا ۱۳۸۳/۱۱/۲۰)

همچنین وی با انتقاد از سندیکا گفت « ترجمه سندیکا همان انجمن صنفی است و بحث در خصوص بازگشت به سندیکا با اهداف انقلاب همخوانی ندارد . ایده آل ما تشکیل شورای اسلامی کار است . » (همان جا)

در همین حال مرتضی رجبی مدیر کل روابط کار وزارت کار میگوید شوراها ی اسلامی کار این مشکل را دارند که « حضور نماینده کارگر و کارفرما باعث می شود تا شورا در دیدگاه جهانی تشکیلی مستقل و کارگری محسوب نشود . » (همان جا)

در همین باره حسن صادقی می گوید « اما در صورتی که احساس کنیم انجمن صنفی بهانه ای برای سرکوب شوراها ی اسلامی کار است ، با آن مخالفت خواهیم کرد . »

اما هدف این همایش اصولا این بود که درانظار مجامع بین المللی و سازمان بین المللی کار چنین وانمود شود که تشکل های دست ساز رژیم همان تشکل های مستقل کارگری مندرج در مقاله نامه های این سازمان هستند و همراه با تشکل های کارفرمایی و وزارت کار همخوانی سه جانبه گرایی را به معرض نمایش بگذارند . تا چهره رژیم با معیار های بین المللی آرایش شود و از فشار بین المللی بر آن بکاهد .

تاکید بر این مسئله اهمیت دارد که مقاله نامه شماره ۸۷ در باره حق آزادی تشکل و مقاله نامه ۹۸ مربوط به حق مذاکره دسته جمعی ، مقاله نامه ۱۰۰ مربوط به دستمزد برابر ، مقاله نامه شماره ۲۹ در باره لغو کار اجباری ، مقاله نامه ۱۰۵ در باره اعمال کار اجباری و بیگاری ، مقاله نامه ۱۱۱ در باره رفع تبعیض در اشتغال ، مقاله نامه ۱۳۸ در باره حداقل سن کار و مقاله نامه ۱۸۲ در باره اشتغال کثیف (به کار گیری کودکان در قاچاق کالا و ...) است .

اجرای مقاله نامه سازمان جهانی کار یکی از خواست کارگران ایران است . اگر چه جمهوری اسلامی برخی از این مقاله نامه ها را پذیرفته ولی کما کان رژیم در کلیت اش و خانه کارگر و وزارت کار از پذیرش حقوق کارگران در بر پائی تشکل های مستقل کارگری سر باز می زنند . مبارزه متشکل و آگاهانه کارگران تنها راه تحقق این خواست پایه ای آنان خواهد بود .

ارائه گردد . و بر مبنای بررسی قانون کار جمهوری اسلامی، این سازمان خواستار تغییرات در این قانون گردید، تا زمینه پیوستن ایران به مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار فراهم گردد .

در شهریورماه ۸۲ حسن صادقی و دیگر سران خانه کارگر در گردهمایی خانه کارگری ها که با تمام تمهیدات ، بیش از عده قلیلی در آن شرکت نکردند توافق حزب مشارکت و دولت را با سازمان بین المللی کار در مورد تشکیل سندیکاهای کارگری محکوم کرده و خواهان لغو این توافقات شدند و آنرا در جهت محدود کردن قدرت شوراها ی اسلامی کار دانستند .

جبهه مشارکت تلاش می کرد که ابتکار ایجاد سندیکاها و اتحادیه های دست ساز را در اختیار خود داشته باشد و خانه کارگر را از میدان بدر کند و هم الزامات خصوصی سازی ، برنامه و سیاست های نفولبرالی را فراهم سازد .

اگر چه جزئیات کامل توافق وزارت کار با سازمان جهانی کار هیچ گاه منتشر نشد . واز جمله این موضوع که آیا حق ایجاد تشکل برای همه کارگران و از جمله واحدها و صنایع بزرگ مثل نفت و پتروشیمی و ... را به رسمیت شناخته است و یا فقط برای واحدهائی که قانون کار حق تشکل را برای آنها مجاز می داند .

خانه کارگر روند تغییر نام شوراها ی اسلامی کارو تطبیق آن با شرایط مندرج در مقاله نامه های مذکور و ایجاد انجمن های صنفی را به جای آنها پی گرفت . اما هم خانه کارگر و هم حزب مشارکت و وزارت کار بر خی اتحادیه دست ساز را سر هم بندی کردند . و علیرغم موافقت جبهه مشارکت و حزب اسلامی کار (تشکل سیاسی خانه کارگر) در طرح ایجاد « کانون عالی انجمن صنفی کارگران ایران » برای ایجاد انجمن های صنفی این طرح شکست خورد .

باشکست حقارت بار اصلاح طلبان حکومتی و حزب مشارکت در انتخابات شوراها ی شهر و علاوه بر آن در هفتمین دور مجلس شورای اسلامی دوران حبیض ذلت آنان آغاز شد و پرونده ایجاد سندیکا و اتحادیه های کارگری در وزارت کار به پایان راه رسید . و حریفان (خانه کارگری ها) خیز برداشتند تا بر صندلی نمایندگی کارگران ایران در سازمان بین المللی کار تکیه کنند .

در مهر ماه گذشته در دیداری که میان وزارت کار جمهوری اسلامی و سازمان بین المللی کار و با شرکت تشکل های کارفرمایی و مسئولین خانه کارگر صورت گرفت . توافقاتی بدست آمد . حاصل این دیدار و توافقا، این بود که این سازمان، خانه کارگر را به عنوان نماینده کارگران ایران در مجامع بین المللی قلمداد کرد . تا پیولا نماینده سازمان بین المللی کار در دیدار با سران خانه کارگر گفت « تشکیلات کارگری در ایران در راستای مفاد مقاله

و دیگر تشکل های وابسته به رژیم و منزوی شدن این تشکلها در بین کارگران ایران کاملا روشن بود. بلکه افزون بر آن مورد اتهام و تحت فشار مجامع بین المللی نیز قرار داشتند . از آن پس یکی از وجوه سیاست های خانه کارگر و تشکل های رژیم کاستن از فشار های بین المللی و تطبیق و آرایش چهره رژیم با الزامات و عرف و معیار های بین المللی بوده است . و کاملا روشن بود که از یک سو یکی از عرصه های اصلی سیاست نهادهای کارگری رژیم ایجاد و سازماندهی اتحادیه های صنفی فرمایشی و کنترل شده از بالا و حتی با اشاره بر حق تشکل و حق اعتصاب است . و از سوی دیگر همسو نشان دادن خود با مبارزات و اعتراضات کارگران بگونه ای که مانع از تحول و گسترش این مبارزات در مسیری مستقل گردند . و در همین راستا در مهر ماه سال ۷۹ محبوب در دیدار با نمایندگان موسسه آلمانی « فردریش ایبرت » اعلام کرد که « تا سه سال پیش تشکیلات ما یک تشکیلات صنفی _ سیاسی بود ، اما از آن وقت تا کنون در این جهت حرکت کردیم که یک تشکیلات تمام عیار صنفی باشیم . و اکنون شمای کلی تشکیلات ما یک تشکیلات تمام عیار اتحادیه ای است . » بر اساس همین سیاست ها حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراها ی اسلامی کار در راهپیمائی اول ماه مه در سال ۸۰ در میدان بهارستان گفت که « شوراها ی اسلامی کار دیگر پاسخگوی مطالبات کارگری نیست و ما باید به سوی تشکیل سندیکاها و اتحادیه ها برویم . » . و از همین رو تلاش می کردند در طی روندی شوراها ی اسلامی کار به سمت اتحادیه شدن حرکت کنند . و یا محبوب به روزنامه کار و کارگر می گوید . « پیش بردن شوراها به سمت اتحادیه ای شدن. این باید مسیر حرکت آینده شما باشد . » .

یکسال بعد وقتی که حزب مشارکت در توافق با سازمان جهانی کار زمینه پیوستن ایران به مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ این سازمان را فراهم می کرد . خانه کارگر و تشکل های وابسته به آن ، سیاست ضدیت با ایجاد اتحادیه و سندیکاهای کارگری را پیش گرفته و با سفر نمایندگان سازمان جهانی کار جرنیگان و خانم کرن کرتیس به ایران مخالفت کردند . و شوراها ی اسلامی کار را تنها تشکل صنفی کارگران اعلام داشتند .

اما وقتی هیات سازمان بین المللی کار به ایران آمد و اوضاع تشکل های کارگری را به شدت مورد انتقاد قرار داد . و با طرح این مسئله که « در ایران آزادی تشکل های کارگری وجود ندارد . » و در گزارش خود « خانه کارگر را نماینده واقعی کارگران ندانست » و علاوه بر آن خانه کارگر را عمدتا دارای جهت های سیاسی دانست و ماهیت صنفی بودن آن را مورد سؤال و محبوب را به دلیل وابستگی اش به یک جناح سیاسی و عضویت در تشکل های کارفرمایی مورد انتقاد قرار داد . و اعلام کرد که حتی یک مورد قرارداد دستجمعی وجود نداشت تا